

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 10273

Date of filing: 23 Dec 1988

10273-56
1-cvc-02

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

Dissenting
** SEPARATE OPINION of Judge Ansari
- Date 23 Dec 1988
_____ pages in English 13 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 Dissenting
 Separate Opinion of Judge Ansari
 Award No. 399-10273-3

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ

بنام خدا



پرونده شماره ۱۰۲۷۳

شعبه ۳

حکم شماره ۳-۱۰۲۷۳-۳۹۹

هید تومو شینتو

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط

ایالات متحده آمریکا

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	23 DEC 1988
تاریخ	۲ / ۱۰ / ۱۳۶۷

نظر مخالف قاضی پرویز انصاری

نکته های مقدماتی

۱ - شرکتی خصوصی تحت نام شرکت "سهامی خاص خدمات بین المللی مهات" توسط چهار نفر به اسامی امیرحسین امیرفیض، محسن عسکری نظری، آفرن اولانا و آنتونیو اولیدا در تهران تأسیس گردید و در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ در اداره ثبت شرکتهای به ثبت رسید. برابر اساسنامه، موضوع شرکت انجام خدمات کامپیوتری، و

سرمایه^۶ آن نیز عبارت از یکصد سهم ده هزار ریالی بی نام بوده که فقط ۳۵٪ بها^۶ اسمی آن پرداخت گردیده است. هیئت مدیره و مدیر عامل منتخب از بین صاحبان سهام بوده و برای اداره^۶ امور شرکت از جمله استخدام و عزل و نصب کارمندان و تعیین حقوق و پاداش آنها، انجام هرگونه معامله و وصول مطالبات و پرداخت دیون شرکت، از کلیه اختیارات تامه و لازمه برخوردار بوده‌اند.

۲ - شرکت مهات ضمن فعالیتهای تجاری و ارائه خدمات کامپیوتری خود موفق گردید همراه با یک شرکت ایرانی دیگر پیمانکار فرعی اینفورمیشن سیستمز ایران ("ایز ایران") گشته و عملیات مربوط به تبدیل محاسبه موجودی ذخیره در انبار به سیستم کامپیوتری را برعهده گیرد. این پروژه^۶ ایزایران به "کالس" (۱) شهرت داشت. مهات برای آنکه بتواند از عهده وظایف خویش برآید را^۶سا" تصمیم به استخدام تعدادی کارمند خارجی گرفت و در اواخر آذر ماه ۱۳۵۵ آقای هیدتومو شینتو (خواهان پرونده) را به استخدام خود در آورد. با دریافت پروانه کار، شینتو به مدت ۱۸ ماه بعنوان کارشناس کنترل موجودی برای مهات در تهران کار کرد (۲).

۳ - قرارداد استخدامی جدیدی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ مابین شرکت مهات و شینتو منعقد گردید. بموجب این قرارداد شینتو می‌بایست در مقابل دریافت ماهانه ۲،۵۵۰/- دلار حقوق و ۸۰۰/- دلار فوق العاده انتقال و نیز حق برخورداری از بلیط برگشت، مجدداً "بمدت ۱۸ ماه به عنوان کارشناس کنترل موجودی مهات به کار خود ادامه دهد. تعهد پرداخت هرگونه مالیاتی را نیز شرکت برعهده گرفت.

۱- Computerized Automated Logistics System Conversion Project (CALS)

۲- خواهان قرارداد اول خود با مهات را به دیوان تسلیم نکرده است.

۴ - از آذر ماه ۱۳۵۷ به بعد، شرکت مهات در پرداخت حقوق ماهانه کارکنان خود تاخیر نمود و بالاخره در چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷ رئیس شرکت طی نامه‌ای به شینتو، با استناد به مفاد قرارداد اعلام داشت که کلیه قراردادهای استخدامی مهات از همان تاریخ به علت وجود قوه قاهره لغو می گردد. نامه اخیرالذکر، که توسط حسن عسکری پور نایب رئیس شرکت امضاء گردیده، فسخ قرارداد را معلول وجود ناآرامیهای داخلی ایران و عدم قدرت شرکت برایفای تعهدات مالی خود ذکر می کند. منضم به نامه اعلام فسخ، برگ محاسبه صورت ریز حقوق و مزایای استحقاقی شینتو بود که طلب وی از شرکت را مجموعاً به مبلغ ۵،۹۸۷/۱۱ دلار محاسبه می کرد. مهات، در نامه دیگری به تاریخ همان روز، پرداخت وجوه متعلقه به شینتو را به صورت دلاری تایید و تأکید نمود که تعهد شرکت "به هیچوجه منوط به دریافت وجه از ایزایران نخواهد بود".

۵ - شینتو پس از گذشت قریب به سه سال از این ماجرا، و بدون آنکه در این مدت کوچکترین قدمی در جهت مطالبه طلب خود از شرکت خصوصی مهات برداشته باشد، پس از اعلام بیانیه‌های الجزایر در این دیوان اقامه دعوی نمود (۳). مبلغ خواسته در دادخواست نخستین حتی -/۳۵،۱۹۰ دلار بیشتر از مبلغ طلب

۳- همانگونه که قبلاً متذکر گشته‌ام کلیه دعاوی زیر -، ۲۵۰،۰۰۰ دلار در واقع از طرف دولت ایالات متحده و از باب حمایت دیپلماتیک از اتباعش در این دیوان به ثبت رسیده‌است و هرگونه تغییر بعدی در نام خواهانها بی بهره از وجاهت قانونی است. بنگرید: نظر جداگانه قاضی انصاری در پیکراینترنشنال و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۱۰۱۷۳-۲۲۹ (مورخ ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) و
تثودورات و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۱۰۳۳۵-۲۳۳ (مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵)، همچنین نظر جداگانه سید خلیل خلیلیان در لردکوریوریشن و شرکت یشتیانی و
نوسازی هلیکوپترهای ایران، حکم شماره ۲-۱۰۹۷۳-۳۴۶ (مورخ ۹ بهمن ماه ۱۳۶۶).

مذکور بود و خواهان آنرا تحت عنوان حقوق از دست رفته به علت فسخ قرارداد استخدامی از دولت ایران مطالبه کرده بود. مبلغ ۳۰۰/- دلار نیز بابت اموال بجا مانده^۶ خواهان در ایران مطالبه شده بود.

منشاء دعوی، کنترل و دلایل آن

۶ - دادخواست خواهان علت و منشاء دعوی را اعمال دولت ایران در نقض قرارداد و جلوگیری از ادامه کار و اجبار شینتو به خروج از ایران می داند، ولی پاسخ خواهان به لایحه دفاعیه دعوی را منحصراً ناشی از نقض قرارداد استخدامی توسط مهات که یک نهاد تحت کنترل دولت ایران قلمداد شده اعلام می کند.

با توجه به ماده دو و بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، دعوی حاضر برای آنکه بتواند مشمول صلاحیت دیوان قرار گیرد محتاج اثبات کنترل دولت ایران بر مهات می باشد. برابر محتویات پرونده، خواهان از اثبات این امر عاجز مانده و ادله و مدارک ابرازی وی هرگز کوچکترین شبهه ای دال بر کنترل دولت ایران بر شرکت خصوصی مهات بر نمی انگیزد. ادعای خواهان که مهات تحت نظارت اجرایی مستقیم ایزایران بوده نه تنها بدون دلیل است بلکه دلائل، خلاف آنرا حکم می کند. برخلاف موضع خواهان، بازرسی های محدودی که ایزایران از لحاظ حفاظتی بر کارکنان مهات هنگام کار در آمادگاه الکترونیک اعمال می کرده با توجه به ارتباط پروژه "کالس" با برخی از موسسات نظامی امری کاملاً عادی بوده است که نمی تواند مستند کنترل قرار گیرد. در مقابل، خواننده اساسنامه شرکت را به پیوست لایحه دفاعیه خود به دیوان تسلیم و اثبات نمود که مهات یک شرکت خصوصی مستقل می باشد. در همین رابطه و برای اثبات عدم کنترل دولتی در مهات، خواننده پاسخ اداره^۶ ثبت شرکتها به استعلامیه مدیر صنایع و خدمات کامپیوتری را به دیوان تقدیم کرد (مدرک ۴۲). خواننده با استناد به جواب اداره ثبت شرکتها و در تقویت و تایید موضع دفاعی خویش که از ابتدا

برگزیده بود، به دیوان ثابت نمود که طبق آخرین تغییرات شرکت در ۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۶، امیرحسین امیرفیض - محسن عسکری نظری - حسن عسکری پور اعضا هیئت مدیره شرکت بوده و دولت هرگز مدیر دولتی در مهات منصوب نکرده است.

جلسه دادگاه و مواضع جدید خواهان

۷ - با آغاز جلسه استماع، تغییر مواضع حقوقی خواهان نیز آغاز گردید. خواهان منشأ دعوی خود را این بار صورتحساب ابرازی و یا تخیرا" دارا شدن بلاجهت تعیین نمود و فرضیه صادره مستقیم و غیرمستقیم را نیز بر آنها افزود. برای اولین بار در جلسه استماع خواهان ادعا کرد که دولت ایران کلیه اموال امیرحسین امیرفیض دارنده اکثریت سهام مهات را صادره و در نتیجه شرکت را تحت کنترل خود در آورده است. تنها دلیل و مدرک ابرازی خواهان در رابطه با اثبات این ادعای نو، بریده^۶ مقاله روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۸ بود که خبر صادره اموال ۲۰۹ نفر از افراد وابسته به رژیم گذشته را گزارش می‌کرد.

۸ - به عقیده من خواهان حق طرح مبانی جدید و ارائه مدارک تازه را در جلسه استماع پرونده نداشت(۴).

۴- درست است که دیوانهای بین المللی عموماً" در قبول ادله از خود تساهل نشان میدهند و نمایندگان رابط نیز می‌بایست در آگاه ساختن دیوان از وجود ادله ذریبط با یکدیگر همکاری نمایند، لیکن فراموش نباید کرد که بکار گرفتن این اصول هرگز نباید منجر به سوء استفاده یکی از طرفین و تضییع حقوق دیگری گردد. مانی می نویسد: "دیوان بایستی رعایت حقوق طرفین در جریان دادرسی را تضمین نموده و بدینوسیله عامل بهت زدگی و تعجبی را که می‌تواند با هر تسلیم خارج از موعد ادله آمیخته باشد حذف نماید."

Mani , International Adjudication: procedural Aspects 242 (1980)
سندیفر معتقد است: "اما دیوانهای بین المللی در اعمال صلاحدید خود از پذیرفتن ادله‌ای، که ارائه آنها چنان دیر صورت گرفته که پذیرفتنشان را غیر عادلانه و غیر مقتضی می سازد، خودداری می‌نمایند."

Sandifer, Evidence Before International Tribunals 74-75 (1975).

مبانی، استدلالات و ادله جدید خواهان آنچنان خارج از موقع مقتضی ارائه گردید که دیوان می‌بایستی خواهان را حتی از توزیع مدارک جدید واستناد به آنها در جلسه استماع منع می‌کرد. عدول دیوان از رویه معمول خود مبنی بر عدم پذیرش مدارک جدید در جلسه استماع قابل توجه نیست(۵). یافته‌های دیوان در بند ۲۸ رای مبنی بر اشتباه و مغایر با واقعیات می‌باشد. قبول اینکه تغییر استدلال خواهان در نتیجه تسلیم مدرک ۴۲ توسط ایران بوده و وی "پاره‌ای جز این نداشت که به سند مزبور در جلسه استماع پاسخ گوید" توجیهی ناپذیرفتنی است. حقیقت امر آنست که خواهان اصولاً نیازی به دسترسی به مدرک ۴۲ نداشته است تا متوسل به بهانه جویی‌های روز استماع گردد. همانگونه که ذکر شد، خواننده اساسنامه مهات را مدتها قبل همراه با اولین لایحه دفاعیه خود به ثبت رسانید و مدرک ۴۲ که فقط متضمن پاسخ اداره ثبت شرکتها به استعلام از آخرین تغییرات شرکت است، فقط در تأیید بیشتر دفاعیات قبلی خواننده بوده و اساساً مدرک جدیدی نمی‌تواند تلقی گردد. وجود نام امیرفیض در اساسنامه شرکت که به پیوست لایحه دفاعیه در مراحل اولیه رسیدگی تسلیم دیوان گردیده بود خواهان را موظف می‌ساخته است که بلافاصله در مورد این سهامدار عمده تحقیق نموده و در انتظار روایت مدرک شماره ۴۲ دست روی دست نگذارد.

۵- دیوان در حکم شماره ۱-۱۸۱-۲۹۴ (مورخ ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۵) صادر در پرونده یکتل اینکورپوریتد، و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، و دیگران، بند ۲۰، پس از بررسی "لایحه استماع" خواننده که در جلسه استماع توزیع گردید به این نتیجه رسید که "لایحه استماع مزبور حاوی شرح مفصل، و تاحدودی تازه از اظهارات سازمان گسترش راجع به واقعیات و استدلالات حقوقی آنست که پذیرش آن برای ثبت، موجب تضییع حقوق خواهانها می‌شود، زیرا که ایشان فرصت کافی برای اظهار نظر در مورد کل آن سند را نداشته‌اند. بنابراین، دیوان "لایحه استماع" را نمی‌پذیرد..."

مطالبی را که خواهان در جلسه استماع عنوان نمود می توانست - و در واقع موظف بود - که مدتها قبل هنگام دریافت لایحه دفاعیه ایران بیان نماید. در نتیجه، این اظهار که مدرک ۴۲ خوانده فی نفسه شامل مطالب جدیدی بوده که باعث تحقیقات بعدی خواهان گردیده بی اساس و اشتباه محض است.

۹ - به فرض آنکه خواهان در تغییر استدلال و ارائه مدارک جدید در جلسه استماع و نیز تسلیم بریده^۶ روزنامه‌ای که در دسترس عموم بوده مجاز باشد، باز هم انتساب کنترل مهات به دولت ایران اثبات نگردیده است. از آنجا که بار اثبات دلایل تازه بردوش خواهان است باید ادله جدید وی بتواند مثبت ادعا باشد. در جلسه استماع با استناد به مقاله روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۸، خواهان ادعا نمود که اسم ردیف ۱۷۰ نام امیرحسین امیرفیض سهامدار عمده شرکت مهات می باشد که اموالش به مصادره دولت در آمده است. خواننده ضمن اعتراض به تسلیم مدارک جدید، بلافاصله در همان جلسه توجه دیوان را به این نکته جلب نمود که نام مورد نظر در متن اصلی فارسی روزنامه متعلق به سهامدار عمده شرکت مهات نبوده و اسم شخص دیگری است که در ترجمه غلط خواهان عامدا^۷ به امیرفیض مبدل شده است.

با امعان نظر به آنکه تنها مستند خواهان در اثبات کنترل دولت و مصادره سهام سهامدار عمده شرکت منحصر^۸ همین مقاله روزنامه بوده که عدم صحت و بی ارتباطی آن نیز توسط خواننده در همان جلسه استماع به اثبات رسید، و از آنجا که خواهان در اثبات واقعیاتی که در تایید ادعای خود - در آخرین لحظه - بدان استناد جسته عاجز مانده است، لذا دیوان می بایستی ادعای کنترل را مردود اعلام می نمود. لیکن متأسفانه دیوان چنین نکرد و پس از ختم جلسه استماع، علیرغم اعتراض اینجانب، باتخطی از اصل پذیرفته شده احراز صلاحیت بر اساس مدارک موجود، بدون دلیل موجهی طی دستوری از خواننده درخواست کرد که

دستور دادستانی مبنی بر مصادره اموال ۲۰۹ نفر را بدیوان تسلیم نماید(۶).

اکثریت در طی حکم حداقل در دو جا اظهار می دارد که "بدنبال دستور شفاهی در جلسه استماع"، دیوان طی دستور مورخ ۱۵ دی ماه ۱۳۶۶ مقرر داشت که خوانده مدارکی از جمله اصل دستور دادستانی را به دیوان ارائه دهد. در صورتیکه اصولاً بحث در جلسه استماع بر مدار مقاله روزنامه اطلاعات، که در دسترس همگان قرار دارد، و نیز مدرک ۴۲ می گردید و نه دستور رسمی دادستانی. دیوان شفاهاً خوانده را مخیر گذاشت که در صورت تمایل ترجمه انگلیسی مدارک تسلیمی خواهان را تسلیم نماید و صدور دستور مورخ ۱۵ دی ماه ۱۳۶۶ کاملاً غیر منتظره و برخلاف قواعد دادرسی صورت پذیرفت. علی‌ایحال خوانده پس از جلسه استماع، با تقدیم ترجمه صحیح مقاله روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۸، بار دیگر ثابت نمود که نام متنازع فیه امیرحسین امیرفیض نبوده و در نتیجه خواهان در اثبات ادعای جدید خویش مبنی بر مصادره اکثریت سهام شرکت که مبتنی بر مقاله مزبور بود موفق نگشته است.

۱۰ - نکته قابل تأمل آنست که مستند خواهان در جلسه استماع به هیچ وجه دستور دادستانی نبود، بلکه مدرک خواهان برای اثبات مصادره تنها مقاله روزنامه‌ای بود که اصولاً نامی و نشانی از امیرفیض در آن وجود نداشت. مهمتر آن که در شهادتنامه امیرفیض که بعنوان پیوست ج شرح مکمل دادخواست ثبت دیوان شده

۶- مانی با استناد به Witenburg, L'Organisation Judiciaire, La Procedure et

La Sentence Internationales 258-59 (1937)

بر آنست که: "نتیجه اصلی ختم استماع پرونده عدم پذیرش هرگونه ادله و مدارک اضافی است که هریک از طرفین ممکن است تمایل به ارائه آنها داشته باشد... اعلام ختم استماع متضمن ضرورتی مضاعف است: اختتام قطعی دادرسی، و بوجود آوردن موازنه‌ای عادلانه بین حقوق شکلی طرفین به تبعیت از قاعده انصاف. بعلاوه، اعلام ختم دادرسی دیوان را قادر می سازد که وظیفه قضائی خویش را با قاطعیت به انجام رساند." Mani, supra, 246.

است، خود آقای امیرفیض که در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۳ به قید سوگند به نفع خواهان شهادت داده است حتی کوچکترین اشاره‌ای به مصادره اموال و سهام خود در مهات توسط دادستانی نمی‌نماید. علیرغم این مدارک و برخلاف بند ۱ ماده ۲۴ قواعد دیوان، که مسئولیت بار اثبات دلیل را برعهده مدعی گذاشته است، دیوان ارائه دستور دادستانی را از خوانده طلب نمود. خواهان که برخلاف کلیه قواعد دادرسی فرصت یافته بود در آخرین لحظه در جلسه استماع موضع خود را تغییر داده و ادله جدید تسلیم نماید، پس از عجز در اثبات ادعای جدید خود این بار فرصت دیگری یافت که ناظر تلاش خوانده برای رد ادعای خارج از موقع او باشد.

وضعیت شرکت مهات و کنترل

۱۱ - به فرض محق بودن دیوان در صدور دستور پیش گفته و خواستن مدارک جدید و حتی قبول لایحه خواهان (که ۶ ماه پس از برگزاری جلسه استماع و بطور غیرمجاز ثبت گردیده) و به فرض صحت مصادره اموال امیرفیض توسط دادستانی (که هرگز کوچکترین اشاره‌ای در شهادتنامه نامبرده به آن نگردیده) باز هم کنترل مهات توسط دولت ایران قابل اثبات نمی‌باشد. مهمترین دلیلی که برای سکوت شهادتنامه امیرفیض در مورد مساله مصادره سهام او در مهات، و نیز عدم ارائه شهادتنامه جدیدی از او توسط خواهان، بذهن متبادر می‌گردد آنست که اساساً شرکت مهات در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۸ دیگر حیات نداشته و عملاً بصورت شرکت مرده‌ای در آمده بوده است.

مضافاً بر مشکلات مالی متعددی که مهات در اواخر سال ۱۹۷۸ با آن دست به گریبان بوده که منجر به عدم توانایی شرکت در پرداخت حقوق کارکنان آن گردید، طبق اظهارات خواهان در جلسه استماع در ماههای ژانویه - فوریه ۱۹۷۹ (یعنی حدود حداقل دو ماه قبل از تاریخ مصادره ادعایی سهام امیرفیض) یک مرجع حل

اختلاف کارگری راعی به نفع کارکنان مهات داده و با حراج اموال و ساختمان مهات حقوق معوقه کارکنان را پرداخت کرده است. با در نظر گرفتن آنکه مهات یک شرکت خدماتی بوده که فقط بر تخصص کارکنان خود تکیه داشته است تا سرمایه^۶ ناچیز شرکت (که فقط -/۳۵۰,۰۰۰ ریال آن پرداخت گردیده بود)، بنابراین تصور اینکه واقعا" پس از کسر دیون شرکت چیزی باقی مانده باشد مشکل می نماید. ولی فرض باقی ماندن هر مبلغ جزئی پس از حراج اموال شرکت نافی این حقیقت نمی تواند باشد که حتی قبل از حراج اموال شرکت توسط مرجع حل اختلاف کارگری، مهات به سبب خروج سهامداران و متخصصین خارجی آن از ایران در عمل به علت عدم فعالیت متوقف و شکل شرکت مرده‌ای بخود گرفته بوده است. در این رابطه باز هم جالب توجه است که آقای امیر فیض در شهادتنامه خود که بتاريخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۳ به قید سوگند و به نفع خواهان ادا کرده است هرگز اشاره‌ای نیز به این مسایل مهم نمی نماید. ممکن است از یک دید صرفا" ظاهر گرای حقوقی، وضعیت رسمی شرکت مهات به عنوان حالت تصفیه اموال شرکت - و نه حالت انحلال و تصفیه خود شرکت - تلقی گردد، ولی با نگرشی واقع بینانه و منصفانه چگونه می توان از دولتی تحت شرایط انقلاب و جنگ انتظار داشت که بیاد انحلال صوری شرکت حقیر و متلاشی شده‌ای مانند مهات، که سهامدارانش آنرا پشت سر رها کرده و بخارج از کشور رفته‌اند، بوده و در صدد انحلال و تصفیه قانونی آن برآید؟

مرور زمان

۱۲ - باز هم برفرض آنکه شرکتی بنام مهات در تاریخ صدور دستور دادستانی مبنی بر مصادره اموال امیرفیض وجود داشته و با مصادره اموال نامبرده که شامل ۵/۵۷٪ سهام مهات نیز می گردد، از تاریخ ۲۳ فرودین ماه ۱۳۵۸ شرکت تحت کنترل ایران در آمده باشد، معذک دعوی مشمول مرور زمان قراردادی بوده و نتیجتا" قابل پذیرش نیست.

قرارداد استخدامی مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ در ماده هیجده بالصرافه حق طرح هرگونه دعوایی علیه شرکت را پس از ۶۰ روز از تاریخ فسخ قرارداد از مستخدم سلب می‌نماید. از آنجا که مهات با استناد به ماده یازده (ب)(۱)(الف) و اعلام فورس ماژور قرارداد را از تاریخ ۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ فسخ نموده است، بنابراین پس از گذشت ۶۰ روز، یعنی از ۵ فرودین ماه ۱۳۵۸، هیچ ادعایی برای پرداخت وجه علیه شرکت مسموع نخواهد بود.

منطق وجود چنین ماده‌ای در یک قرارداد استخدامی روشن است (علی الخصوص در قرارداد حاضر که پیش بینی بسیاری از جزئیات را نموده و حتی در ماده چهارده (ه) ترتیب کفن و دفن مستخدم و عدم تعهد شرکت به پرداخت هزینه تابوت را پیش بینی کرده است). شرکت بدینوسیله سعی می‌کند دفاتر و حسابهای خود را پس از مدت معقولی بطور قطعی بسته و منافع خود را در مقابل ادعاهای بعضاً جزئی کارکنانی که ممکن است سالها پس از فسخ قرارداد و امحاء سوابق استخدامی اقامه دعوی کنند حفظ نماید. نتیجتاً اگر دولت ایران جانشین تعهدات مهات شناخته شود باید همچنین از حقوق قراردادی شرکت، از جمله حق مذکور در ماده هیجده، نیز برخوردار گردد.

۱۳ - متأسفانه اکثریت خود را با مواد قرارداد استخدامی آشنا نساخته و بدون کمترین استدلالی از کنار قید مرور زمان ماده هیجده می‌گذرد. درک صحیح از ماده هیجده قرارداد بدون توجه به ماده قبلی آن امکان پذیر نیست. اهمیت ایندو ماده نقل متن کامل آنها را ایجاب می‌کند.

ماده هفده - اختلافات

مهات و مستخدم مشترکاً "توافق می‌نمایند که هرگونه اختلاف ناشی از مفاد این قرارداد به یک کمیسیون تحقیق مرکب از (۱) مدیر روابط استخدامی به عنوان رئیس، (۲) مدیر بخش کار مربوطه، و (۳)

مستخدم یا نماینده او، ارجاع گردد. هرگونه تصمیم متخذه توسط کمیسیون که متعاقبا" توسط مدیر عامل تایید گردد برای طرفین قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

ماده هیجده - ادعاها

موافقت حاصل است که در رابطه با این قرارداد، هیچگونه ادعایی علیه شخص یا فردی که نمایندگی مهات را داشته باشد، اقامه نخواهد شد، بلکه کلیه دعاوی ناشی از این قرارداد منحصرآ علیه مهات طرح خواهند گردید. تمام ادعاهای مطروح علیه مهات باید در ایران مطرح شوند، زیرا مهات نه شرکت وابسته‌ای دارد که از جانب آن اقدام کند و نه فعالیتی در هیچ کشور دیگری غیر از ایران دارد. هر ادعایی توسط مستخدم علیه شرکت خدمات بین المللی مهات در رابطه با حقوق یا مزایای قابل پرداخت تحت این قرارداد، می‌بایست ظرف شصت (۶۰) روز از تاریخ فسخ این قرارداد طرح گردد. هیچ ادعایی برای پرداخت وجه، بعد از ۶۰ روز از تاریخ فسخ مسموع نخواهد بود. (خط تاکید اضافه شده است)

تمایز و تفکیک روشنی که قرارداد میان "اختلافات" و "ادعاها" قایل می‌شود مبین آنست که دو نامه مورخ ۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ فقط حاکی از توافق مهات و خواهان بر سر مبلغ وجه پرداختی به مستخدم می‌باشد و لاغیر. خواهان می‌بایستی با توجه به متن قرارداد استخدامی خود در صدد اقامه دعوی و وصول طلب خود برمی‌آمد. خواهان می‌توانست تا مدت ۲ ماه پس از فسخ قرارداد، یعنی کاملاً قبل از صدور دستور دادستانی مبنی برمصادره اموال امیرفیض، درصدد وصول طلب و اقامه ادعا بر علیه شرکت برآید، معهذا وی بمدت سه سال تا زمان اعلام بیانیه‌های الجزایر به اختیار خود سکوت اختیار نمود. در نتیجه خواهان باید بار منفی عدم اقدام در وصول طلب را بر دوش کشد. بنگرید: شرکت هوستون کنترکتینگ و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، حکم شماره ۳-۱۷۳-۳۷۸، نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری، بند ۴ (مورخ ۷ مهرماه ۱۳۶۷)، و نیز کارولینا براس، اینکوریورتید و شرکت ملی کشتیرانی آریاء و دیگران، حکم شماره ۲-۱۰۰۳۵-۲۵۲ (مورخ ۲۱ شهریور ماه ۱۳۶۵)، و هارنیشفکر کوریوریشن و وزارت راه و ترابری، و دیگران، حکم شماره ۳-۱۸-۱۴۴ (مورخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۳) ص ۴۶.

۱۴ - متاسفانه اکثریت بدون استدلال از کنار این مسائل و استدلالات گذشته و بررسی آثار مرور زمان مذکور در ماده هیجده قرارداد را به سکوت برگزار کرده است. صرف همین سکوت دیوان از تعیین قاطعانه آثار حقوقی مرور زمان نشان دهنده اهمیت نهفته در ماده مزبور است.

۱۵ - در مورد بهره نیازی به تکرار نظرات سابق خود نمی بینم. رجوع کنید: مک کالو اند کامپنی، اینکوریوریتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن، و دیگران، حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ (مورخ ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری.

لاسه، بتاریخ ۲ دی ماه ۱۳۶۷ برابر با ۲۳ دسامبر ۱۹۸۸



پرویز انصاری معین